

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

یونس نگاه
۲۹ اگست ۲۰۲۱



یونس نگاه

زایش افغانستان مترقی و دموکرات را سرعت بخشیم!

- (۱) - افغانستان بعد از طالبان به جنگسالاران، تیکه‌داران قومی، حلقه‌های مافیائی و شرکت‌های قراردادی بین المللی سپرده شد. مردم درین بیست سال از صحنه سیاست، اقتصاد و مدیریت دور بودند. به رأی مردم، به فریاد و خواست مردم پیشیزی اهمیت داده نمی‌شد. از مردم همچو منبع سربازگیری در اردو و مجاهدگیری در صفوف طالبان استفاده شد. از فقر و نادانی آنان پروژه و مضمون ساختند. در نتیجه، کمک‌های خارجی، انرژی مردم و امکانات ملی در اختیار حلقه‌های مافیائی قرار گرفت و دولت شرکت‌های زورمندان و دزدان شد.
- (۲) - به همین دلیل در بیست سال گذشته هیچ نهاد پایداری و نزدیک به مردم ساخته نشد. تمام نهادها از جمله کل دولت به شکلیات پرمصرف، غیر مؤثر و اندیوال‌خانه‌های حلقه‌های مافیائی و دزدان قراردادی بدل گردید. این نهادها ریشه‌های مردمی و استوار نداشتند و به کمک‌های بین‌المللی و حمایت خارجی متکی بودند. ازینرو تمام دم و دستگاه دولت و نظام پیش از ترک خارجیان، از آوازه رفتن رفتن حامیان فرو ریخت.
- (۳) - طالبان در فضای ناشی از فاصله بین دولت و مردم جان گرفت و با حمایت حلقه‌های خارجی رشد یافت و بر جسد درحال پوسیدن نظام قراردادی و مافیائی چاق شد و پندید. در پایان نیز طالبان کشور را با جنگ و تدبیر تسخیر نکردند بلکه جای اداره از هم‌پاشیده، بی‌تدبیر و درحال فرار را بدون رویارویی جدی گرفتند.
- (۴) - آنچه اکنون جریان دارد نیز دولت‌سازی و مذاکره نیست. بلکه تقلائی طالبان برای پرکردن خلأ دولت، جان‌کنی زورمندان محلی و مافیایها برای حفظ حداقل امتیازاتشان در فضای بعد از فروپاشی است. مردم بی‌پشتوانه، بی‌نماینده و بی‌صدا در میدان خالی از جمهوریت جعلی و امارت وحشی بی‌سرنوشت مانده اند و گروه گروه از هرکنار کشور بار خود را بسته در حال گریز اند. توجه به وضعیت عمومی و اکثریت خلق در رسانه‌ها زیر سایه خروج نیروهای خارجی

و همکاران داخلی‌شان به فراموشی سپرده شده است. مردم در خلأ وحشتناک گیر مانده‌اند، کار و زندگی‌شان به هم خورده است. نگرانی از آینده با گسترش سریع فقر و بیکاری مردم را فلج کرده است. باید رسانه‌ها لینز دوربین‌های‌شان را از میدان هوایی کابل، اقلیت کوچکی که در تقلاي خارج شدن اند گاهی به سمت کوچه‌ها و خانه‌های طوفان‌زده نیز بچرخانند.

سرنوشت اقلیت‌ها و اقشاری که زیر فشار چند لایه روحی و روانی تغییر وضعیت خرد می‌شوند نیز نیازمند توجه است. آدم‌هایی که به دلیل تفاوت‌های مذهبی، دینی، جنسیتی و شغلی احساس تهدید می‌کنند و یا در معرض بدرفتاری قرار دارند امروز بیش از هر زمان دیگر خود را فراموش شده و تنها می‌یابند.

فقر و گرسنگی به طور ویژه باید مورد توجه قرار گیرد و برای جلوگیری از بحران بشري جبران‌ناپذیر در زمستان پیش رو، وقتی راه‌ها مسدود می‌شوند و کیسه‌ها خالی، باید تدابیر سنجیده شود.

در عین حال درین شرایط سرنوشت‌ساز و بحرانی از سخن گفتن در مورد حق مردم در تعیین سرنوشت شان دست نکشیم. از هر جا صدا بلند کنیم که قدرت‌های خارجی و تیکه‌داران داخلی حق ندارند افغانستان را به گروه بنیادگرای طالبان و تروریستان بین‌المللی اجاره دهند و این تبلیغ که گویا طالبان نمایندگان ذهنیت اکثریت مردم اند دروغ سیاسی و تبانی تروریستی است.

۵) - دولت ائتلافی به آسانی شکل نخواهد گرفت، چون از یکسو مخالفان طالبان فلج شده اند و قادر به بسیج و هماهنگی نمی‌باشند، از سوی دیگر طالبان حاضر نیستند تا بدون مواجه شدن با خطر جدی جنگ و احتمال از دست رفتن قدرت، تن به سازش دهند. در عین حال، طالبان ظرفیت ساختن اداره‌ای را ندارند که قادر به عرضه حداقل خدمات به مردم باشد تا آرامش نسبی به اجتماع برگردد و آن گروه فرصت تقویت جایگاه و تثبیت دستگاه حکومتی خود را به دست آرد. طالبان مدتی سرمست پیروزی مصروف تقسیم چوکی‌ها و حیف و میل غنیمت‌ها می‌شوند و پیش از آن که امارتی را بسازند عمارت حاکمیت‌شان فرو خواهد ریخت. این فروپاشی ممکن با جنگ میان طالبان و نیروهای مخالفش، درگیری و تقلا برای پوره کردن حداقل منابع و یا با غلبان تضادهای درونی گروه طالبان تکمیل گردد.

۶) نکته آخر این که باید برای دوران پس از طالبان آمادگی بگیریم و برای گذار از بحران بی‌دولتی که به شکل سراب امارت اسلامی طالبانی ظاهر شده است، کار کنیم. افغانستان جز ساختن حکومتی که قادر به ارائه حداقل خدمات لازم باشد و به مسیر برآوردن نیازهای عینی زندگی عصری مردم حرکت کند، راه دیگری ندارد. همه انسان‌های ضد تروریست، آزادیخواه و دمکرات باید افغان‌ها را در ساختن جمهوری و تثبیت دمکراسی یاری رسانند. مهم‌تر از همه افغان‌هایی که توان کار سیاسی و مبارزه را دارند باید:

اول) سکوت نکنند. چند بار دیگر باید شاهد مرگ خود باشیم که برای "آینده شغلی" یا حفظ جان لب فرو نبندیم؟

دوم) دست از توهم برداریم و منتظر جامعه جهانی، ترحم طالبان و سازش دزدان سابق با طالبان نمانیم.

سوم) بکوشیم در گردباد حوادث دچار روزمرگی نشویم و برای ساختن دولت ملی دمکرات به طور پایدار گام بزنیم و مبارزه کنیم.

چهارم) به این دروغ هرگز باور نکنیم که وطن نابود شد و فرصت برخاستن برای آخرین بار از دست رفت. چنین نیست. ما دوباره بر می‌خیزیم و فرصت‌های فراوان برای شکوفائی و آبادی پیش‌روی ماست. همت کنیم و زایش افغانستان مترقی و دمکرات را سرعت بخشیم!